

ص ۱۸۶-۱۸۷، ۱۹۲؛ دینوری، ص ۱۵۱-۱۵۲؛ مسعودی، ج ۳، ص ۱۱۳-۱۱۴.

امام سپاه خود را از تصرف و غارت اموال شخصی بصریان و اصحاب جمل بازداشت و فرمود اموال کشتگان اصحاب جمل میراث خویشان مستحق آنهاست و فقط اجازه داد آنچه را که در اردوگاه برای جنگیدن به کار می‌بردند، به غنیمت گیرند. امام، پس از آن، سلاح و اسب و استر فراریان از میدان را میان یاران خویش قسمت کرد (بلاذری، ج ۲، ص ۱۷۰، ۱۸۶؛ دینوری، ص ۱۵۱-۱۵۲؛ مفید، ص ۴۰۵). وقتی یکی از یاران امام پرسید که چگونه رواست با آنان بجنگیم و خونشان را بریزیم، اما اسیر کردن زنانشان و به غنیمت گرفتن اموالشان نارواست، امام فرمود: از مسلمان اسیر و مال به غنیمت نباید گرفت، مگر آنچه با آن می‌جنگیده‌اند. همچنین فرمود: کدام یک از شما مادران، عایشه، را به منزله سهم خود برمی‌دارد؟ و آنان استغفار کردند (ابن قتیبه، ج ۱، ص ۷۸؛ دینوری، ص ۱۵۱).

امام خیز جنگ جمل و پیروزی بر شورشیان را برای اهل کوفه و مدینه نوشت (طبری، ج ۴، ص ۵۴۲؛ مفید، ص ۳۹۵-۳۹۹)، بیت‌المال را میان یاران و همراهانش قسمت کرد (مسعودی، ج ۳، ص ۱۱۶-۱۱۷؛ مفید، ص ۴۰۰-۴۰۱) و چند روز در بصره اقامت گزید (ابن‌اعثم کوفی، ج ۲، ص ۴۸۸). آنگاه عبدالله بن عباس را به امارت بصره منصوب کرد و در رجب (و به قولی رمضان) سال ۳۶ به کوفه رفت (بلاذری، ج ۲، ص ۱۹۱-۱۹۲؛ دینوری، ص ۱۵۲). رفتار و سیره امام علی در جنگ جمل مرجع فقهای مذاهب اسلامی درباره «قتال اهل بغي» و احکام سرکشان داخلی گردید (س شافعی، ج ۴، ص ۲۲۹، ۲۳۶؛ علم‌الهدی، ص ۴۴۳-۴۴۴؛ طوسی، ج ۷، ص ۲۶۴-۲۶۶؛ شمس‌الائمه سرخسی، ج ۱۰، ص ۱۲۶-۱۲۷؛ علامه حلّی، ج ۴، ص ۴۵۰-۴۵۳؛ شهید ثانی، ج ۲، ص ۴۰۷-۴۰۹). مذاهب کلامی اسلامی نیز درباره وضع ایمانی اصحاب جمل بحث کرده‌اند (س ابن‌ابی‌الحدید، ج ۱۴، ص ۲۴). همچنین مورخان سده‌های نخستین، تکنگاریهای بسیاری درباره جنگ جمل داشته‌اند که گرچه مبنای آثار بعدی بوده است، اغلب آنها اکنون در دست نیست (س ابن‌ندیم، ص ۵۹، ۱۰۵-۱۰۶، ۱۱۱، ۱۱۵، ۱۲۱-۱۲۲، ۲۸۵؛ نجاشی، ص ۱۷، ۱۲۹، ۲۴۰، ۳۲۰، ۳۴۷، ۴۱۸، ۴۲۸، ۴۳۵). کتاب الجمل و النصرة لیسید العترة فی حرب البصرة تألیف شیخ مفید (متوفی ۴۱۳)، فقیه و محدث و متکلم شیعه امامی، مهم‌ترین نوشته برجای مانده در این موضوع است (س تاریخ / تاریخ‌نگاری، قسمت چهارم: تاریخ‌نگاری شیعیان).

منابع: علاوه بر قرآن؛ ابن‌ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، چاپ محمدابوالفضل ابراهیم، قاهره ۱۳۸۵-۱۳۸۷ / ۱۹۶۵-۱۹۶۷، چاپ افست بیروت [بی‌تا]؛ ابن‌اثیر، اسدالغابة فی معرفة الصحابة، چاپ محمد

ابراهیم بنا و محمد احمد عاشور، قاهره ۱۹۷۰-۱۹۷۳؛ ابن‌اعثم کوفی، کتاب الفتوح، چاپ علی شیری، بیروت ۱۴۱۱/۱۹۹۱؛ ابن‌قتیبه، الامامة و السياسة، المعروف بتاريخ الخلفاء، قاهره ۱۳۸۸/۱۹۶۹، چاپ افست قم ۱۳۶۳ ش؛ ابن‌کلبی، جمهرة‌النسب، ج ۱، چاپ ناجی حسن، بیروت ۱۴۰۷/۱۹۸۶؛ ابن‌ندیم؛ محمدبن عبدالله اسکافی، المعیار و الموازنة فی فضائل امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب (صلوات‌الله علیه)، چاپ محمدباقر محمودی، بیروت ۱۴۰۲/۱۹۸۱؛ احمدبن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، چاپ محمود فردوس العظم، دمشق ۱۹۹۶-۲۰۰۰؛ خلیفه‌بن خیاط، تاریخ خلیفه‌بن خیاط، چاپ مصطفی نجیب فواز و حکمت کسلی فواز، بیروت ۱۴۱۵/۱۹۹۵؛ احمدبن داوود دینوری، الاخبار الطوال، چاپ عبدالمنعم عامر، مصر [۱۳۷۹/۱۹۵۹]، چاپ افست بغداد [بی‌تا]؛ محمدبن ادریس شافعی، الأم، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳؛ محمدبن احمد شمس‌الائمه سرخسی، کتاب العیون، بیروت ۱۴۰۶/۱۹۸۶؛ زین‌الدین بن علی شهید ثانی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، چاپ محمد کلانتر، نجف ۱۳۹۸، چاپ افست قم ۱۴۱۰؛ طبری، تاریخ (بیروت)؛ محمدبن حسن طوسی، العیون، بیروت ۱۴۱۲-۱۴۲۰؛ یوسف علامه حلّی، مختلف الشیعة فی احکام‌الشریعة، قم ۱۴۱۲-۱۴۲۰؛ علی‌بن حسین علم‌الهدی، مسائل الناصریات، تهران ۱۴۱۷/۱۹۹۷؛ علی‌بن ابی‌طالب (ع)، امام اول، نهج‌البلاغه، ترجمه جعفر شهیدی، تهران ۱۳۷۰ ش؛ مسعودی، مروج (بیروت)؛ محمدبن یحیی مفید، الجمل و النصرة لیسید العترة فی حرب البصرة، چاپ علی میرشریفی، قم ۱۳۷۴ ش؛ احمدبن علی نجاشی، فهرست اسماء مصنّفی الشیعة المشتهر برجال النجاشی، چاپ موسی شبیری زنجانی، قم ۱۴۰۷؛ یاقوت حموی؛ یعقوبی، تاریخ

/ محمدرضا ناجی /

### جَمَلُ الْعِلْمِ وَالْعَمَلِ

کتابی در عقاید و احکام، نوشته شریف مرتضی ملقب به علم‌الهدی<sup>۵</sup>، در اوایل قرن پنجم، به عربی. نام دیگر این کتاب جمل‌العقائد بوده است. وی این اثر را به توصیه استادش، شیخ مفید (متوفی ۴۱۳)، برای آموزش به نوآموزان و بنیادآوری استادان نگاشته است (علم‌الهدی، ۱۴۰۵-۱۴۱۰، ص ۹). بدین ترتیب، جمل‌العلم و العمل کتابی آموزشی است و خود سید مرتضی هم آن را تدریس می‌کرده است (س همو، ۱۴۱۴، ص ۳۷). درسهای بخش نخست کتاب (بخش اعتقادات) را یکی از شاگردانش تقریر کرده است که امروزه با عنوان شرح شریف مرتضی بر جمل‌العلم و العمل شناخته می‌شود. شیخ طوسی و کراچکی، هر دو از شاگردان مرتضی، بخش عقاید آن را شرح کرده‌اند (س طوسی، ۱۳۸۰، ص ۱۸۹؛ نجاشی، ج ۱، ص ۴۰۳؛ ابن‌شهر آشوب، ص ۱۱۸-۱۱۹؛ حرّعاملی، ج ۲، ص ۲۸۷). شرح طوسی، که نجاشی (همانجا) آن را تمهیدالاصول<sup>۶</sup> نامیده، به همت عبدالمحسن

کتاب، فقط به چهار مبحث مهم نماز، روزه، حج و زکات سکه در منابع حدیثی شیعه و سنی با عنوان «دعائم الاسلام» (سکلینی، ج ۲، ص ۱۸-۲۴) و «ارکان الاسلام» (سکلینی، ج ۱، ص ۱۷۶) ذکر شده‌اند. پرداخته و به تعبیر ابن براج (ص ۵۴) سایر شرعیات مانند معاملات و دیات را نیاورده است؛ ضمن آنکه باب طهارت به مثابه مقدمه نماز و باب جنائز، از فروع مبحث نماز، و باب اعتکاف از ملحقات بحث روزه را به صورت مستقل ارائه کرده که در مجموع هفت بخش (کتاب) شده است. مؤلف در پایان کتاب، باز دیگر بر قاعده‌ای که در بخش فقه بدان ملتزم بوده تأکید کرده و خواننده را برای مباحث تفصیلی فقه به کتاب مفضل فقهی اش، المصباح، ارجاع داده است. بر این اساس، شمار زیادی از ابواب و فروع فقهی در جمل العلم و العمل یافت نمی‌شود (مثلاً بحث خمس که مؤلف در الانتصار، ص ۱۵۵ دیدگاه اختصاصی فقه امامیه را درباره آن شرح داده است).

سید مرتضی این کتاب را در زمان حیات شیخ مفید (۳۳۶-۴۱۳؛ س علم الهدی، ۱۴۰۵-۱۴۱۰، ج ۳، ص ۹) و پس از دو کتاب مهم کلامی، الذخیره و الملحخص، و کتاب فقهی المصباح نگاشته است، زیرا در آغاز کتاب (همانجا) برای ادامه توفیقات شیخ مفید دعا کرده و در پایان کتاب (همان، ج ۳، ص ۸۱)، جوینده مطالب بیشتر را به کتابهای یاد شده، ارجاع داده است.

به نوشته افندی اصفهانی (ج ۴، ص ۶۲) قاضی عبدالجبار همدانی (متوفی ۴۱۵)، متکلم برجسته معتزلی، پس از دیدن کتاب گفته است: «اگر شریف مرتضی جز این مختصر چیزی نوشته بود، باز هم سرآمد نویسندگان بود.» شیخ طوسی (برای نمونه س ۱۴۰۷-۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۷۲، ۲۲۲، ج ۲، ص ۲۱، ۱۸۶) و محقق حلی (متوفی ۶۷۶؛ برای نمونه س ۱، ص ۹۸، ۲۱۵) به آرای فقهی سید مرتضی در جمل العلم و العمل توجه داشته‌اند و یکی از منابع مجلسی در تألیف بحار الانوار<sup>۵</sup> نیز همین کتاب بوده است (مجلسی، ج ۱، ص ۱۱).

آقابزرگ طهرانی (همانجا) سه نسخه خطی از این اثر را در کتابخانه‌های نجف دیده است. برخی نسخه‌های خطی این کتاب و نیز شروح آن در کتابخانه‌های آستان قدس رضوی در مشهد، آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی در قم، و مجلس و کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می‌شوند (برای نمونه س حائری، ج ۵، ص ۱۶؛ دانش‌پژوه، ج ۱۵، ص ۴۱۷۴-۴۱۷۵؛ فکرت، ص ۱۶۹؛ افشار و دانش‌پژوه، ج ۸، ص ۴۷۶).

از این کتاب دو چاپ در دست است: یکی به همت سید احمد حسینی که در ۱۳۸۶ در نجف چاپ شد و در ۱۴۰۵،

مشکوٰۃ‌الدینی در ۱۳۶۲ ش در تهران به چاپ رسیده است، اما شرح کراچکی در دست نیست. عبدالحسین حائری (ج ۵، ص ۱۷-۱۵) احتمال داده است که شرح منسوب به شریف مرتضی همان شرح کراچکی باشد؛ اما، جعفری مراغی، بر اساس شواهدی، استدلال کرده که مقرر شرح شریف مرتضی، شیخ طوسی بوده است (س علم الهدی، ۱۴۱۴، مقدمه، ص ۲۵-۲۶). به نظر مشکوٰۃ‌الدینی، کتاب الاقتصاد الهادی الی طریق الرشاد شیخ طوسی، خلاصه‌ای از تمهید الاصول اوست (س طوسی، ۱۳۶۲ ش، یادداشت مشکوٰۃ‌الدینی، ص ۴۰۳). طوسی در الاقتصاد بارها به تمهید الاصول ارجاع داده است (برای نمونه س ۱۵۹، ۱۶۸، ۱۷۳، ۱۸۶). ابن براج، یکی دیگر از شاگردان شریف مرتضی، نیز بخش احکام فقهی کتاب را شرح کرده که به همت کاظم مدیرشانه‌چی در اسفند ۱۳۵۲ در مشهد به چاپ رسیده است.

جمل به معنای ریسمان کلفت (الحیل الغلیظ؛ ابن منظور، ذیل «جمل») و طناب ستر کشتی (س زمخشری، ج ۲، ص ۱۰۳؛ طبرسی، ج ۴، ص ۶۴۵؛ نیز س دهخدا، ذیل «جمل / جمل») است و بنابراین، عنوان کتاب به معنای ریسمان سخت و ستر علم و عمل است. از قرن سوم تا پنجم، کتابهایی نوشته شده که در عنوان آنها واژه جمل به کار رفته است، از جمله: الجمل فی الامامة، نوشته اسماعیل بن علی بن اسحاق بن ابی سهل بن نوبخت (نجاشی، ص ۳۱)؛ جمل الفرائض، نوشته شیخ مفید (همان، ص ۳۹۹)؛ و الجمل و العقود، نوشته شیخ طوسی. در کتابهای جمل اصلی‌ترین و اساسی‌ترین مطالب را می‌آوردند و از ذکر فروع خودداری می‌کردند.

سید مرتضی در این کتاب احکام شرعی‌ای را که مکلف هیچ‌گاه از دانستنشان بی‌نیاز نیست و نیز آنچه را که اعتقاد به آن ضروری است (مایتجب الاعتقاد به) گرد آورده و در بخش اعتقادات، دلایل هر عقیده را نیز ذکر کرده است، احتمالاً به این دلیل که اعتقادات تقلیدی نیستند و مکلف باید آنها را از روی دلیل و برهان، نه از روی تقلید، بپذیرد.

این کتاب از دو بخش اصلی تشکیل شده است: بخش نخست در عقاید و بخش دوم در احکام فقهی. به نوشته آقابزرگ طهرانی (ج ۵، ص ۱۴۴)، بخش نخست از شش قسمت تشکیل شده است: توحید، عدل، نبوت، امامت، معاد، آجال و ارزاق و اسعار؛ اما، تمام نسخه‌های چاپی کتاب، بخش معاد ندارند و برخی از نسخه‌های چاپی نیز علاوه بر این، فاقد بخش آجال و ارزاق و اسعارند (برای نمونه س علم الهدی، ۱۴۰۵-۱۴۱۰، ج ۳، ص ۱۲)، چون شریف مرتضی در آغاز کتاب (۱۴۰۵-۱۴۱۰، ج ۳، ص ۹) گفته است که فقط به مسائلی می‌پردازد که همگان با آنها مواجه‌اند (عموم البلوی بها)، در بخش فقهی

به همراه دیگر رساله‌های مرتضی، در رسائل الشریف‌المرتضی تجدید چاپ گردید و دیگری به همت رشیدالصفار که در ۱۳۸۷ در نجف به چاپ رسید.

منابع: آقابزرگ طهرانی؛ ابن بزّاج، شرح جمل العلم و العمل، چاپ کاظم مدیرشانه‌چی، مشهد ۱۳۵۲ ش؛ ابن شهر آشوب، معالم العلماء، نجف ۱۳۸۰/۱۹۶۱؛ ابن منظور؛ ایرج افشار و محمدتقی دانش‌پژوه، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی ملک، ج ۸، تهران ۱۳۶۹ ش؛ عبداللّه بن عیسی‌افندی اصفهانی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، چاپ احمد حسینی، قم ۱۴۱۰-؛ عبدالحسین حائری، فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی، ج ۵، تهران ۱۳۲۵ ش؛ حرّعاملی؛ محمدتقی دانش‌پژوه، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۱۵، تهران ۱۳۲۵ ش؛ دهخدا؛ زمخشری؛ طبرسی؛ محمدبن حسن طوسی، الاقتصاد الهادی الی طریق الرشاد، تهران ۱۴۰۰؛ همو، الفهرست، چاپ محمدصادق آل بحر العلوم، نجف ۱۳۸۰؛ همو، کتاب الخلاف، قم ۱۴۰۷-۱۴۱۷؛ همو، کتاب تهیید الاصول فی علم الکلام، چاپ عبدالمحسن مشکوة‌الدینی، تهران ۱۳۶۲ ش؛ علی‌بن حسین علم‌الهدی، الانتصار، در الجوامع الفقهیة، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴؛ همو، رسائل الشریف المرتضی، چاپ مهدی رجائی، رساله ۳۰: جمل العلم و العمل، قم ۱۴۰۵-۱۴۱۰؛ همو، شرح جمل العلم و العمل، چاپ یعقوب جعفری مراغی، [تهران] ۱۴۱۴؛ محمداصف فکرت، فهرست الفیائی کتب خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، مشهد ۱۳۶۹ ش؛ کلینی؛ مجلسی؛ جعفر بن حسن محقق حلّی، المعتمد فی شرح المختصر، ج ۱، قم ۱۳۶۴ ش؛ احمدبن علی نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعة المشتهر بر رجال النجاشی، چاپ موسی شیرازی، زنجانی، قم ۱۴۰۷؛ یحیی‌بن شرف نووی، صحیح مسلم بشرح النووی، بیروت ۱۴۰۷/۱۹۸۷.

/ سیدعلی طالقانی /

## جمو ← جامو و کشمیر

### جموم، سریه ← زیدبن حارث

**جَمَهْرَةُ أَشْعَارِ الْعَرَبِ** از مهم‌ترین و کهن‌ترین مجموعه‌های شعر عربی در سده‌های نخستین اسلامی، گردآورده ابوزید محمدبن ابی‌خطّاب قرّشی. از تاریخ زندگانی ابوزید اطلاع موثقی در دست نیست. برخی سال وفات او را ۱۷۰ ذکر کرده‌اند (← امین، ج ۲، ص ۲۷۶؛ رافعی، ج ۳، ص ۳۴۵؛ سرکیس، ج ۱، ستون ۳۱۳). بُستانی (ج ۲، ص ۲۰۰) او را معاصر دوره نخست عباسی (۱۳۲-۲۳۳) دانسته و به گفته برخی، او در سده سوم (← زیدان، ج ۱، جزء ۲، ص ۴۱۵؛ عطبه، ص ۴۷۷؛ الموسوعة العربیة العالمیة، ج ۱۴، ص ۱۴۴) یا

چهارم (سرگین، ج ۲، جزء ۱، ص ۹۰؛ حسن، ج ۱، ص ۷۵) می‌زیسته است. مصطفی جواد (ص ۱۷۹-۱۸۱)، با استناد به اینکه در *جمهرة اشعارالعرب* (ص ۵۹۶، ۷۰۳) از دیوان‌الادب اثر اسحاق‌بن ابراهیم فارابی (متوفی ۳۷۰) و الصحاح اثر جوهری (متوفی ۳۹۸) مطالبی نقل شده است، دوره زندگی ابوزید را سده پنجم دانسته است، ولی برخی احتمال داده‌اند که نام این کتابها در حاشیه بوده است و بعدها ناسخان آنها را وارد متن *جمهرة* کرده‌اند (← د. اسلام، چاپ دوم، تکملة ۱-۲، ذیل «ابوزید القرشی»؛ بلاشر، ج ۱، ص ۱۴۲، پانویس ۲). تحقیق در این مسئله مستلزم توجه به اسنادهای ابوزید قرشی در متن کتاب است. وی در یک‌جا با یک واسطه، ابن اعرابی (متوفی ۲۳۱) و در جای دیگر، با دو واسطه، هَشمِ بن عدی (متوفی ۲۰۶) را در سلسله اسنادهای خود آورده (← ص ۳۵، ۳۴) و نیز، با دو واسطه، از ابوحنیفة (متوفی ۲۰۹) و اَسَمَعی (متوفی ۲۱۶) مطالبی ذکر کرده است (← ص ۴۳، ۵۲). بنابراین، بعید نیست که *جمهرة* در اواخر سده سوم تألیف شده باشد (د. اسلام؛ بلاشر، همانجاها؛ ضیف، ۱۹۷۷، ص ۱۷۸). برخی محققان معاصر نیز از این تاریخ یاد کرده‌اند (برای نمونه ← بروکلیمان، ج ۱، ص ۷۵؛ اسماعیل، ص ۸۱). نکته دیگر آنکه بسیاری از اسنادهای *جمهرة* از شخصی به نام مُفَضَّل است که غیر از مفضل ضَبّی (متوفی ۱۶۸ یا ۱۷۰) است، زیرا ابوزید قرشی در *جمهرة* (ص ۳۰) نام کامل او را چنین آورده است: ابو عبدالله مفضل بن عبدالله مُحَبَّری، یا مُحَبَّری (اسد، ص ۵۸۷). با توجه به روایاتی که مفضل از آنها روایت نقل کرده است، می‌توان مفضل را از رجال سده سوم و اوایل سده چهارم دانست (همانجا). بروکلیمان (همانجا) و سرگین (همانجا) مفضل را ابن مُحَبَّری و از نسل عمر بن خطّاب معرفی کرده‌اند. برخی نیز، به اشتباه، این مفضل را با مفضل ضَبّی یکی دانسته (← فَرُوخ، ج ۲، ص ۳۰۰) با نقل از *جمهرة اشعارالعرب*، چاپ مصر ۱۳۴۵/۱۹۲۶) و از این رو، تاریخ زندگی ابوزید قرشی را نیمه دوم سده دوم دانسته‌اند (فَرُوخ، همانجا).

در نسخه‌ای از *جمهرة*، که در ۶۸۳ کاتب شده است، نام محمدبن ایوب عزیزی عُمَری به عنوان مؤلف و شارح آمده که شخصی گمنام است و در دیگر نسخه‌ها چنین نامی نیامده است (← سرگین، همانجا؛ اسد، ص ۵۸۶؛ قرشی، مقدمه بجاوی، ص ۵-۶). ابن‌رشیق قیروانی (متوفی ۴۵۶)، نخستین کسی است که نام *جمهرة* را آورده و مؤلف آن را محمدبن ابی‌خطّاب معرفی کرده است (← ج ۱، ص ۹۶). به پیروی از ابن‌رشیق، سیوطی (متوفی ۹۱۱) در *المُزهر* (ج ۲، ص ۴۸۰) و عبدالقادر بغدادی (متوفی ۱۰۹۳) در *خزانة الادب* (ج ۱، ص ۱۲۶، ج ۹، ص ۵۲۱) نیز نام *جمهرة* و مؤلف آن را آورده‌اند.